

حادثه‌ای که همه معادلات را برهم زد

اما در فاصله‌های سال‌های ۸۶ تا ۸۸، ایران در بهترین شرایط منطقه‌ای قرار داشت. پیروزی حزب‌الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه و پیروزی مقاومت بر رژیم صهیونیستی از سوئی، و عدم موفقیت آمریکا در عراق و افغانستان از سوئی دیگر، موجب دست برتر ایران در مناسبات منطقه و جهان شده بود. شاید به همین دلیل هم بود که باراک اوباما، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده، پس از روی کار آمدن، ترجیح داد تا به جای دنباله‌روی از سیاست‌های اشتباه منطقه‌ای بوش پسر، به توصیه‌ی استراتژیست‌هایی چون «زیگنیو برنسیکی» و «رابرت گیتس» گوش فرادهد. این دو، پیش از این، در کتاب «ایران: زمانی برای ارائه‌ی رهیافت جدید»، رفتار سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران را مورد انتقاد قرار داده و معتقد بودند که دولتمردان این کشور، می‌بایست از گزینه‌های دیپلماسی، تشویق، ترغیب و مطلوبیت اقتصادی استفاده کنند. به تبع اتخاذ همین سیاست بود که اوباما، اولین نامه‌ی خود به رهبر انقلاب را، یک ماه پیش از انتخابات سال ۸۸ ارسال و در آن از ایشان درخواست کرد که برای شروع فصل جدیدی از مناسبات بین ایران و آمریکا، به واشنگتن کمک کند. فتنه‌ی ۸۸ اما همه‌ی این معادلات را برهم زد و موجب شد تا بار دیگر، دشمن به «سرانگشتان داخلی» خود امیدوار شود.

کشاندن کشور به «لبه‌پرتگاه»

برای همین، چند ماه بعد از آغاز آشوب‌ها در ایران، «کمیته‌ی خطر جاری» که متشکل از گروهی از سناتورهای آمریکایی، مسئولان ارشد وزارت خارجه این کشور و برخی از مدیران باسابقه‌ی سیا و پنتاگون است، با دیدن تداوم این وضعیت در گزارشی، پروژه‌ی «براندازی از درون» را به مقامات ایالات متحده تجویز می‌کنند. این افراد در گزارش خود تأکید می‌کنند: «واشنگتن اکنون به رویکرد جدیدی نیاز دارد. باید همه‌ی نیروها برای این استراتژی بسیج شوند. باید درس‌های گذشته مورد بازبینی قرار گیرد، درس‌هایی که از فروپاشی بلوک شرق به یادگار مانده است... متحدان آمریکا باید حول استراتژی تهاجمی علیه رهبری ایران منسجم گردند.» توصیه‌ی این کمیته، نافرمانی مدنی و کشاندن درگیری‌ها به کف خیابان به منظور ایجاد شکاف و برهم زدن وحدت و آرامش کشور بود. یعنی دقیقاً شبیه آن وضعیتی، که چند سال بعد، در جریان «بیداری اسلامی» بر سر انقلاب کشورهایی چون مصر آمد. انقلاب مصر که می‌رفت با تداوم خود، موجب تسریع در حرکت بیداری اسلامی در منطقه شود، به دلیل مقابل هم قرار گرفتن مردم، و بروز شکاف و درگیری بین خود، نه تنها از مسیر خود خارج شد، بلکه موجب روی کار آمدن مجدد حکومتی دیکتاتوری در آن شد. باری «اگر خدای متعال به این ملت [ایران] کمک نمی‌کرد، گروه‌های مردم به جان هم می‌افتادند، می‌دانید چه اتفاقی می‌افتاد؟ می‌بینید امروز در کشورهای منطقه، آن جاهائی که گروه‌های مردم مقابل هم قرار می‌گیرند، چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ کشور را لب یک چنین پرتگاهی بردند؛ خداوند نگذاشت، ملت هم بصیرت به خرج دادند. در قضایای سال ۸۸، این مسئله‌ی اصلی است...» ۹۲/۵/۶

حالا بعد از گذشت چند سال از آن روزها، بهتر می‌توان فهمید آنچه دشمن طراحی کرده بود و «سرانگشتان دشمن» در ایران آن را می‌خواستند پیاده‌سازی کنند، کشور را به کجا می‌رسانید. «دشمن می‌خواست کشور را متلاطم کند، می‌خواست آرامش و ثبات و استقرار را از ملت ایران بگیرد؛ درست بعکس، خدای متعال در مقابل کید دشمنان آنچنان تقدیری کرد که...»

و مکروا و مکرالله والله خیر الماکرین. «۹۱/۷/۲۴»



ویژه نامه ۹ دی ۱۳۹۷

کانون فتنه، وحدت و آرامش کشور را نشانه گرفت

درست یک ماه قبل از انتخابات ۸۸، رهبر انقلاب در سفر به کردستان و در جمع مردم شریف این استان، با رصد دقیق از طراحی دشمن برای از بین بردن «وحدت» و «آرامش» در جامعه چنین فرمودند: «جوانان عزیز! حرکت کسانی را که دل‌ها را از وحدت و صمیمیت می‌خواهند دور کنند، رصد کنید... کسانی می‌خواهند به هر وسیله‌ای، به هر بهانه‌ای، میان آحاد ملت اختلاف و تفرقه به وجود بیاورند. هر کسی که دیدید در این زمینه کار می‌کند، درباره‌ی او داوری کنید که سرانگشت دشمن است؛ بداند یا نداند. ممکن است نداند، اما سرانگشت دشمنند؛ برای دشمن کار می‌کنند. نتیجه یکی است. آن کسی که دانسته به شما ضربه می‌زند، با آن کسی که ندانسته همان ضربه را وارد می‌کند، با هم فرقی در نتیجه ندارند، باید هشیار بود؛ باید بیدار بود.» ۸۸/۲/۲۲

آن روزها، و در بحبوحه‌ی تبلیغات انتخاباتی، شاید کمتر کسی متوجه اشاره‌ی رهبر انقلاب به «سرانگشت دشمن» شد اما «تفرقه» یعنی دو قطبی کردن شدید جامعه و ایجاد شکاف در بین مردم، موضوعی بود که بلافاصله بعد از اعلام نتایج انتخابات ۸۸، توسط همین سرانگشتان دشمن کلید خورد. «به گمان من مهم‌ترین هدف از حوادث دوران فتنه‌ی بعد از انتخابات - این چند ماه - این بود که بین آحاد ملت شکاف بیندازند؛ سعی - شان این بود. می‌خواستند بین آحاد مردم شکاف بیندازند و نتوانستند.» ۸۸/۱۷/۱۹

از نفس افتاده‌ها، فتنه را کلید زدند

«سرانگشت دشمن» البته مخصوص انقلاب ایران نبود و در انقلاب‌ها و سایر کشورها نیز نمونه‌هایی از آن یافت می‌شود. برای مثال، «ملوین ج. لاسکی» در کتاب «روشنفکران و انقلاب تجربه آلمان شرقی»، تعبیر «پرنندگان گردن چرخان» - که نزدیک است به معنای اصطلاح «سرانگشت دشمن» - را برای بخشی از نخبگان درون حاکمیت به کار می‌برد که زمینه‌ی فروپاشی آلمان شرقی را نهایتاً در سال ۱۹۸۹ فراهم آوردند. گرچه سال‌ها بعد از فروپاشی دیوار برلین، و درست در ایام فتنه‌ی ۸۸، این اصطلاح، توسط بخشی از تئورسین‌های شبکه‌ی غربگرای درون کشور نیز در دستورالعمل‌های تجویزی برای «کانون فتنه و آشوب» در ایران به کار برده شد. شبکه‌ی غربگرا که معتقد بود انقلاب اسلامی ایران شبیه انقلاب شوروی است و بنابراین به همان سرنوشتی دچار خواهد شد که انقلاب شوروی و سایر انقلاب‌های کمونیستی به آن دچار شدند، بر آن بودند که زمینه‌ی این فروپاشی، می‌بایست توسط طیف موسوم به «پرنندگان گردن چرخان»، یعنی بخشی از نخبگان مخالف اما درون حاکمیت فراهم شود. «انقلابیون پشیمان» و «از نفس افتاده‌ها»، همین کارکرد را در آشوب‌های سال ۸۸ ایفا کردند.



گاهنامه

سپهر

بسیج دانشجویی - وی دانش گاه عل - و مپزش کی تبریز

خسارات غیر قابل بر آورد

تشدید تحریم‌ها

۵ یاد، های شورای حقوق بشر سازمان ملل اعلامیه‌های اتحادیه اروپا و متون و قوانین تحریمی آمریکا را به منی بر چشم کردن نظام به نقض حقوق بشر نشان می‌دهد این بیانیه‌ها نیز تحریم‌ها به پناه عدم تکمیل نظام به آری مردم و قلب در انتقاد وضع شدند.

۵ قانون جامع تحریم‌های کنگره آمریکا بر صفت نفت و نظام بانکی ایران پس از فتنه ۸۸، اصلی نوع تحریم‌های اعمال شده علیه ایران بوده است.

۵ اندیشه‌های آمریکایی، نظام ایران شکننده است و افزایش فشارها بر مردم موجب افزایش فشار بر مسئولان و شکنجه‌ی نظام می‌شود لذا سرچاپه گذاری بیشتر برای تشدید تحریم‌ها بر کند.

اخلال در کارکرد نظام بانکی

وقتی روابط بانکی را تحریم می‌کنند یعنی احراز و نقل و انتقال پول نمی‌دهند بنابراین نمی‌توان صادرات و واردات انجام داد برخی از آثار مخرب تحریم بی‌سابقه بانکی:

۵ افزایش ریسک اعتباری بانک‌ها و مسامحت از پرداخت دیون

۵ محدودیت‌های جدی در گشایش اِل‌سی بانک‌ها و توقف اِل‌سی‌های مدت‌دار

IRAN



۵ محدودیت بهره‌وری از منابع

۵ بانک‌ها در خارج از کشور

در این شرایط نظام بانکی و تجارت کشور مجبور به استفاده از واسطه‌های مالی در چه‌رود و سوم شدند در این امر علاوه بر افزایش هزینه‌های وارد و خروج افزایش ریسک بانک‌ها شد منابع نیز شده است.

خسارات مشهود و قابل محاسبه

۳۰۰,۰۰۰

میلیارد تومان

خسارات در تراز تجاری بازرگانی و نفتی ایران و عدم وصول مطالبات

۳۰

میلیارد تومان

دیده بدل از قصاصی شهیدا و سایر شهروندان



دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری فتنه در سفره مردم بازخوانی بخشی از خسارت‌های اقتصادی فتنه سال ۸۸

سرما به گذاری داخلی و خارجی

۵ به‌عجز دانستن قضایای نامی شود سرمایه‌گذار ترمز می‌کنند بعد از گذشت زمان، بر آفری از قضای کشور می‌کنند اگر بیند خیلی نالین است سرمایه‌های آفری می‌دهد به جای امنی مردم این یک فاعده کلی اقتصاد در همه جای دنیا است. جریان فتنه وقتی شکل گرفت نظام را بشم به قلب کرد که همین موضوع باعث شد قضای بین‌المللی علیه ما شکل بگیرد و جذب سرمایه‌های خارجی را با مشکل مواجه کند.



دیگر آثار اقتصادی فتنه

۵ عدم تعادل در تولید

۵ بی‌اعتنایی در قضای کسب و کار

۵ کاهش نیازت و رونق اقتصادی

۵ تغییر در شاخص‌های کلان اقتصادی (تورم - کرودر)

اختلال در بازار ارز

۵ در اقتصاد نرخ ارز و نوسانات آن مهم است. اگر منحنی ارز نوسانات زیادی داشته باشد روی مصرف کننده‌ها ضربه می‌زند. اگر منحنی دارد نرخ ارز ناپایه عرضه و تقاضا است. اگر عرضه کم شود و تقاضا زیاد شود قیمت بالا می‌رود. فتنه ۸۸ چه شد؟ عرضه ارز کم شد و تقاضا داشتند. صادر کننده‌ها، خریدارانی فروشی

توقف سیر پیشرفت اقتصادی کشور

۵ متأسفانه فتنه زمانی رخ داد که کشور ما در تمامی عرصه‌ها در حال پیشرفت بود. دست و پستی قبل از حوادث ۸۸ فکر می‌کردند ایران با این سرمایه‌مطمئن، چشمی در سطح بین‌المللی خواهد داشت. دشمنان ایران از آن بویض آبی داشتند و بر سر آن آتشی می‌زدند که مردم را بیاد گیری با جمهوری اسلامی از قضای خود عقیده داشتند ولی متأسفانه جریان فتنه نیروی کشور را گرفت و محور محرک پیشرفت اقتصادی را یک ترمز و توقف جدی موند کرد.

۳۲۴ توماند خسارت!

۷۹

واحد

مغازه به آتش کشیده شده

۶۳

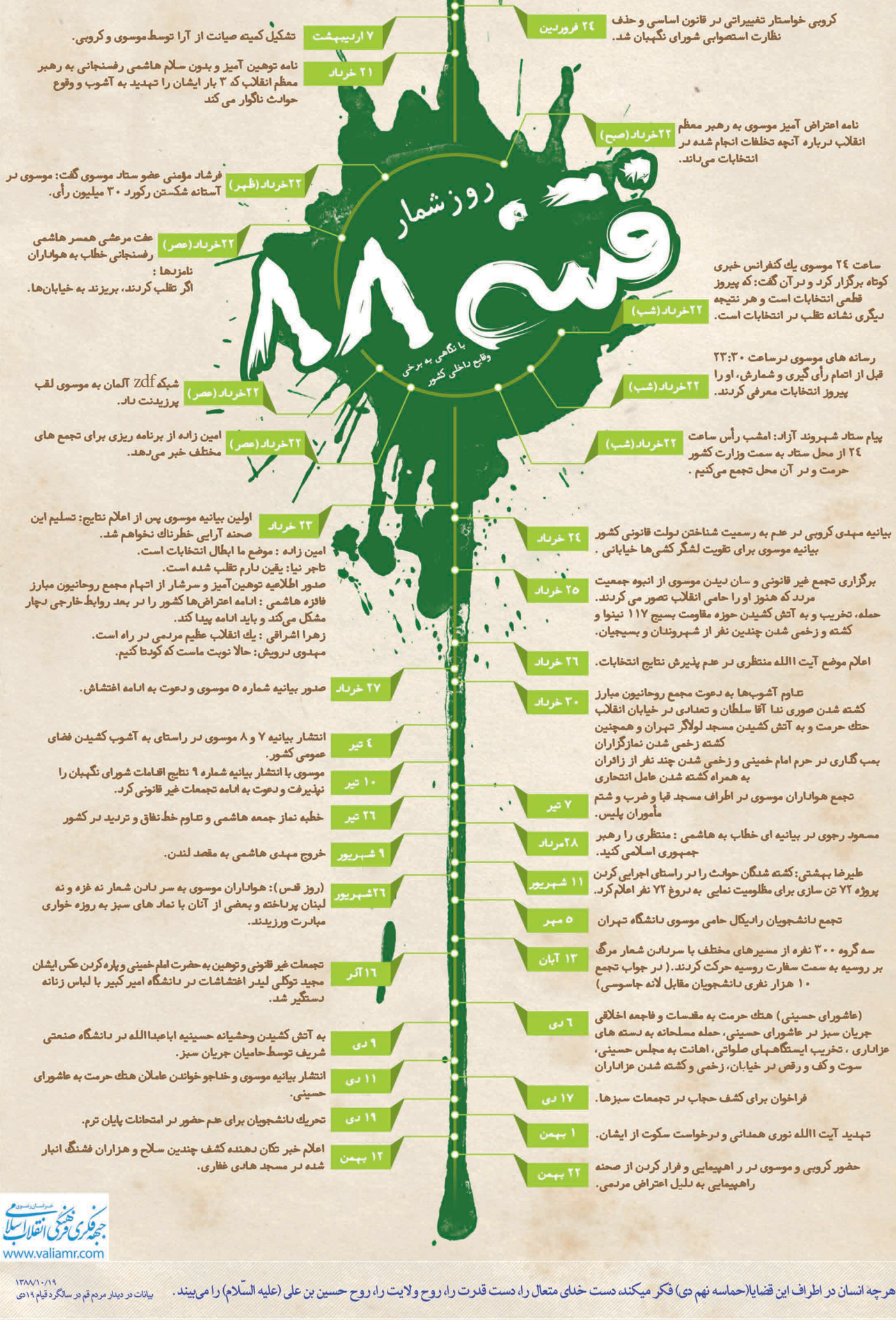
میلیارد تومان

خسارات مالی به اموال شهرداری تهران

۵۰

میلیارد تومان

تخریب و به آتش کشیده شدن بانک‌ها و مؤسسات اعتباری



مسابقه پیامکی گناه نابخشودنی

۱. شبکه ی غربگرا به فروپاشی انقلاب اسلامی ایران توسط چه طیفی امیدوار بود؟

- الف) سلطنت طلبها و ضد انقلابهای خارج نشین
- ب) طیف موسوم به "پرندگان گردن چرخان" که "انقلابیون پشیمان" و "از نفس افتاده ها" این کارکرد را در سال ۸۸ ایفا کردند.
- ج) طیف دانشجو و طلبه
- د) سناتورها و مقامات آمریکایی

۲. "کمیته ی خطر جاری" چند ماه بعد از آغاز آشوبها در ایران، چه پروژه ای را به مقامات ایالات متحده تجویز کردند؟

- الف) براندازی از درون
- ب) جنگ تمام عیار نظامی
- ج) افزایش فشار در منطقه
- د) اغوای کشورهای غربی به قطع رابطه با ایران

۳. در فاصله ی سالهای ۸۶ تا ۸۸، چه شرایطی موجب دست برتر ایران در مناسبات منطقه و جهان شده بود؟

- الف) پیروزی مقاومت بر رژیم صهیونیستی
- ب) پیروزی حزب الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه
- ج) عدم موفقیت آمریکا در عراق و افغانستان
- د) همه ی موارد

عدد گزینه ی صحیح را به ۵۰۰۰۲۰۳۰۰۸۰ پیامک بزنید.